



اجتماعیات

مقام ادب و ادبا

در حیات بشر

نکارش آقای غلام جیلانی خان جلالی

الفرد دو موسه (۱) (۱۸۱۰ - ۱۸۵۷).

حیات : ۱) شاعر رومانیک (۱۸۱۰ - ۱۸۳۰) الفرد دو موسه در يك خاندان پاریسی بوجود آمده که عادات قرن را حفظ کرده بود. موسه در ۱۸ سالگی بمدرسه هانری ۴ لیاقت خوبی را از خود ابراز داده بزودی از سبب منظومه های افسانه های اسپانیا و ایتالیا (۱۸۳۰) شهرت خوبی را کسب نمود. اشعار ابتدائی او بیرونی سبک صحیح رومانیک و با اسلوب قشنگی انشاء گردیده بود.

۲) شاعر آزاد : (۱۸۳۰ - ۱۸۳۳) موسه در سبب قابلیت عجیبی داشت که از اثر ادبی جدی يك اسلوب بسیار مضحك بوجود می آورد لهذا بقرار گرفته پدرش بیروی هوگووار ترك گفته و بعد از آن در اندک زمان ۴۴ اسلوبها مروجه را نیز گذاشته يك سبک واضحی را از خود ایجاد نمود. اما بزودی از افراط کاری که تهدیدش می نمود ترسیده و م درانوقت با (رورزشانه) رومان نویس معروف آشنا شد.

۳) دور بجران محبت : (۱۸۳۳ - ۱۸۴۱) موسه را محبت بدبختی اسیر ساخته پس از تحویل درد های طاقت فرسا در مسافرت ایتالیا قصه مهیج و حزن انگیزی را از زبان خود در کتاب اعتراف يك طفل قرن (۲۰) (۱۹۳۶) و از زبان معشوق در کتاب او و او شرح داده که از مؤثرترین آثار او بشمار میرود. همین در دو بجران

Alfred musset. (۱)

شدید روحی موسه را از حال طفلی مرد سال پخته و شاعر متفنن ساخت که قابلیت نوشتن (شبهای) معروف خود را مالک گردید.

۴ سالهای اخیر: (۱۸۴۱ - ۱۸۵۷) بدبختانه قوای موسه بعد از تحمل نمودن این بحران در هم شکسته دوباره عادات بی خودی، حیات و استعداد او را کاست. پس از سرودن چند قطعه اشعار و چند رومان به آکادمی عضو مقرر شد (۱۸۵۲) اما پیشرفت غیر مرتب گویدیهای او در صحنه نتوانست که در زوایای انتهائی حزن سالهای اخیر حیات او پرتوی بیندازد. بقسمیکه در وقت مرگش بیش از ۳۰ نفر بعقب جنازه او وجود نداشت.

آثار موسه: اشعار، افسانه های آسیایه و ایتالیایی Contes despagnetditleie
تماشا در میان آرام چوکی Spectacle dans un favteuil بیاله و لب (۱۸۳۲)
La Coupe ert les levres رولا Rolla شب می La Nuit de Mai شب دسمبر
La Nuit de Decembre (۱۸۳۵) شب اوت La Nuit de Aovt (۱۸۳۶)
شب اکتوبر La Nuit doctobre (۱۸۳۸) امیدبخدا Espoire endieu (۱۸۳۸)
یادگار Souvenirs (۱۸۴۰).

۲ تاتر: هوسهای مساریان Le Caprice desmarianne (۱۸۳۳) فانتازو
Fatasio محبت شوخی بر نمی دارد (On Neradine das Avec l'Amovr) لوزان
راکسو Lorenzaccio (۱۸۳۴) بهیچ چیز قسم نباید خورد ilne Faut jurer de rien
(۱۸۳۶).

۳ رومان: اعتراف يك طفل قرن (۱۹۳۶) La Confession d'Unenfant desiècle
افسانه ها Contes et Nouvelles تاریخ يك مرل سفید Histoire d'Unmerleriane
۴ انتقاد مکاتیب دوپوی و کوزته Lettres de Dupuvisecotonet (۱۸۳۶ - ۱۸۳۷)
اسلوب موسه: موسه میگفت که لامارتین همیشه بقسم طفل با او رفتار میکند. در
حقیقت تمام اشخاصیکه موسه را شناختند همین عقیده را درباره او داشتند قبلاً گفته شد که
خاندان موسه رسوم قرن (۱۸) را تا قرن ۱۹ حفظ کرده بود لهذا اکثر اوقات صفات
ملیه را در اشعار خود اظهار میکرد.

البته بیشتر در اسلوب شعری او جالب توجه میباشد از حساسیت عصبی اوست که زود
زود از غم و شادی متأثر میشود اما عموماً اشعار او حزن انگیز است و چنانچه خودش میگوید
درد را دوست دارد و معلم خودش میداند.

از اشعار اوست: « یگانه چیزیکه دردنا بر ایما باقی مانده بعضی اوقات گریستن است »
علاوه برین صفت خاصه موسه صداقت در غم میباشد، خودش معتقد است که شعر نباید که

حرفش شود و انسان برای جلب منافع مادی دماغ خود را بزحمت افکنده احساسات غلط را ترتیب و تلقین نماید .

خلاصه موزه در شعر گوئی استعداد فطری دارد و در ذوق او هیچ نوع تصنع و فشار مشاهده نمیشود .

الکسندر دوما : Alexandre dumas از رومان نویسان معروف فرانسه بلکه مهم ترین رومان نویس تاریخی اروپا است . ابتدای شغل او در دفاتر دوک در لیان بود که کتاب معروف (هائری سوم و دربار او) را نوشته کسب شهرت کرد . بعد بکمک همقطاران متعددی که معلومات تاریخی برایش تهیه مینمودند رومانهای متعددی را نوشت ، معروفترین آثار او حسب ذیل است :

هائری سوم و دربار او : Henri Trois et sa Covr (۱۸۲۹) اتونی (Antony Trois) (۱۸۳۱) ناپلیون بناپارت Napoléon Bonaparte (۱۸۳۱) سه تفکدار Trois Mouspuetaires (۱۸۴۴) لارن مارکو La Reine Margot (۱۸۴۵) شوالیه دو مزون روز Chevaliar de Maison Rouge (۱۸۴۷) مونت کریستو Monte Cristo (۱۸۴۸) لادام دو مونسورو La Dame de Monsoreau (۱۸۶۰) کبدها ، ماد موازل دوسن سیر Madmoiselle de Sainteyr (۱۸۴۳) لوویژ و دولارن Le Nenrou de la reine (۱۸۵۶) الکسندر دوما در رومان نویسی پیشقدم و اسناد و آثار او تاریخ فرانسه را روشن گردانیده است .

تیر Tiers (۱۸۹۷ - ۱۸۷۷) گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تیر یک مورخ معتبر و از رجال سیاسی فرانسه بشمار است ، این نویسنده در اوقات اخیر انقلاب فرانسه وارد صحنه سیاست گردیده مانند دیگر آرتیست زبردستی در صحنه فراخ سیاست کارروائی نمود ، پس از سقوط ناپلیون سوم در ۱۸۷۱ اولین رئیس جمهور فرانسه انتخاب شد . از معروف ترین آثار او (انقلاب فرانسه) و تاریخ : (کونسولا و امیر اطوری) میباشد .

گامبیتا : Gambetta (۱۸۳۶ - ۱۸۸۲)

این نویسنده از رجال سیاسی و اداری معروف فرانسه و از مدافعین ملی زمان انقلاب فرانسه بحساب میرود علاوه گامبیتا یکی از بزرگترین نطافان اروپا شناخته شده است . مشارالیه اولاً در مجلس مدافعه ملی عضویت داشت و چندی بعد (۱۸۸۱) صدراعظم فرانسه مقرر شد ، چون این شخص در عوام نفوذ و تاثیر زیادی را مالک بود گفته های او اکثر بقسم ضرب المثل در عوام مروج میگردد آثار این نویسنده تماماً از سلسله نطقهای مشارالیه تدوین شده است .

اناطول فرانس Anatole France (۱۸۴۴ - ۱۹۲۴) .

اناتول فرانس از طفلی شوق مفرطی بمطالعه کتب داشته مخصوصاً عاشق (بیٹی بیرو) (ولای آن فلور) بود . بعد ازان مدیر کتاب خانه شده . راجع بیونانیت قدیم و ادبیات قرن (۱۸) فرانسه مطالعات زیادی نمود . اولین اثر ادبی این نویسنده جنایت شلوستر بونار (۱۸۸۲) است . اناتول فرانس بزودی شهرت زیاد حاصل نموده در اندک زمان استاد ادب فرانسه و بعد ادیب بین المللی شناخته شد . به این نویسنده بزرگ جائزه نوبل در ادبیات نیز تقدیم شد .

آثار معروف این نویسنده بقراردیل است .

قسمت اشعار : اشعار طلائی ، Poèmes Dorés ، ایدل ای الز اند Idylles et Légendes این اثر انتقاد حیات ادبی م دارد .

قسمت رومان و افسانه : جنایت سلوستر بونار Crime de Sylvestre Bonnard
۱۸۸۱ - تائیس Thais - ۱۸۸۹ . لاروتیسری دولارن پیدوک la Reine Pédauque
۱۸۹۳ La Rôtisserie de زنیق سرخ Le Lys Rouge (۱۸۹۴) .

در قسمت تاریخ معاصر : اورم دو مای l'Orme de Mail (۱۸۹۶) مانکن دوریه Mannequins d'Osier (۱۸۹۷) حلقه یاغوت Anneau d'Améthyste
(۱۸۹۹) موسیو برژره در یاریس M. Bergeret à Paris (۱۹۰۱) و غیره . . .

اناتول معتقد است که برای مقبول افتادن یک اثر لازم است که ساده و معصوم باشد و یابندی زیاد بقواعد گذری (کم دوام) از خوبی یک اثر می کاهد . علاوه برین اناتول در تصویر اشیا و حرکات با سلوب رومانسی استعداد بی نظیری را مالک بود .

فلاسفه :

ما موفق شده نمیتوانیم که در این سلسله مقالات مختصر خود تمام فلاسفه این عصر را ذکر کنیم لاکن با وجود ایجاز سلسله یادی از بزرگترین فلاسفه فرانسه ، المان و انگلستان و خلص نتیجه تفکر آنها بی مورد ندانیم در ردیف شرح حال ادبا ذیلا به مطالعه علاقهندان ادبیات عرض میشود .

فلاسفه فرانسه : فلسفه فرانسه در قرن ۱۹ مبنی بر چهار ملک مادی ، روحانی ، اقتصادی و وضعی میباشد که در آن ذکر میشود .

لامارک : (۱) (۱۸۲۱ - ۷۴۴) لامارک فیلسوف مادی است مشارالیه گمان میکرد که عادات از احتیاجات نشئت نموده زندگی یک سایل گرمی میباشد که از کائنات متأثر میشود گویا لامارک مباحثه مبادی تطورا است .

Lamarck. (۱)

گال (۱) (۱۷۵۸ - ۱۸۲۸) گال اصلاً از دوکیه باداست ۰ این فیلسوف تمام مبادی را در دو مؤلف خود قید نموده یکی را تشریح و ظایف مجموع عصبی و دیگر آنرا و ظائف مخ نام کرده بود او فرض میکرد که تمام قوا و صفات در دماغ بوجود می آید .

سپورزهمیم (۲) (۱۷۷۶ - ۱۸۳۲) سپورزهمیم شاگرد گال تمام مساعی خود را در نشر مبادی مسلک استاد خود (گال) بار و با خصوصاً بانگلستان مبذول نمود .

ویکتور کوزین : (۳) (۱۸۶۸ - ۱۷۹۲) ویکتور کوزین از فلاسفه نامی قرن ۱۹ فرانسه فلسفه را در مدرسه نورمان سویر یور و از رویه کولار تحصیل کرد اما در تاریخ فلسفه از استاد خود مخالفت نموده در آن شعبه نایفه ثابت گردید .

کوزین بعد از تحصیلات معلم مدرسه معروف سوربون بود اما در ۱۸۲۰ از وظیفه تدریس عزت و ورزیده در سال ۱۸۲۸ در زمان وزارت مرتشاک دوباره بآن آغاز نمود سپس از آن مستشار حکومت تعیین گردیده متعاقباً بیهم عضو مجلس شاهی معارف عمومی و عضو مجلس علمی فرانسه و عضو اکادمی علوم ادبی و سیاسی و مدیر دارالعلوم (نورمان سویر یور) و استاد اعظم جامع مقرر شد .

کوزین از مسافرت المان نفع کلی حاصل کرده فلسفه افلاطون را ترجمه نمود این فیلسوف در تعلیمات عمومی خدمات خوبی از خود ابراز داد اما قسمت عمده حیات او بامور ادبی گذشت ، آثار فلسفی کوزین بیشتر شامل دروس است که بدارالعلومها داده مشهور ترین آنها بقرار ذیل است :

راستی زیبایی خوبی du Vrai, du Beau, du Rien (۱۸۴۶) تاریخ فلسفه
 Histoire de la Philosophie (۱۸۶۳) آثار انتقادی : ژا کلین یاسکال
 Jacqueline Pascal (۱۸۴۴) مادام لونگک ویل Madame Longueville (۱۸۵۳)
 کوزین با وجود بعضی اشتباهات در بین فلاسفه روحانی مالک درجه بلندی است زیرا نظریات افلاطون و دیگران را در علم النفس و اخلاق و مابعد الطبیعه دفاع نمود اسلوب کوزین این بود که هر چه را می پسندید از آثار فلسفی فلاسفه دیگر انتخاب میکرد اما نصب العین او با فلاسفه قرن ۱۸ اختلاف داشت

(نا تمام)